

## شوپه

### سیف‌الله قلندریان<sup>۱</sup>

در مازندران زمین‌های کشاورزی نزدیک جنگل با خطر حمله حیوانات وحشی بویژه گرازها مواجه هستند از این رو کشاورزان برای حفظ و مصون نگاه داشتن مزارع خود یک نفر را به عنوان میرشکار انتخاب می‌کنند تا مسئول محافظت از مزارع آنان از گزند حیوانات جنگل باشد.



گاه نیز تعداد زیاد گرازهای وحشی که در اطراف شالیزارها سکونت دارند و سرمست از بوی شالی برای حمله بی‌قراری و لحظه‌شماری می‌کنند کشاورزان را وا می‌دارد تا با تمام تجهیزات و لوازم با این حمله‌ها مقابله کنند از این رو همه کشاورزان در اصطلاح

۱. سیف‌الله قلندریان از فرهنگیاران کوشایی است که با عزمی راسخ به گردآوری فرهنگ مردم زادگاه خود «گلوگاه، بندپی شرقی از توابع شهرستان بابل» مشغول است. ایشان نیز همچون دیگر فرهنگیاران برای گردآوری و ثبت هر موضوع علاوه بر ثبت دیده‌های خود، نزد اشخاص مطلع و آگاه می‌رود و پس از شنیدن سخنان آنان، مطالب را بر صفحه کاغذ ماندگار می‌کند. مطلب فوق را نیز به نقل از دوستان خود به نام احمد رضانزاد و موسی جهانزاد روایت کرده است. تنظیم از الهه شایسته دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی و کارمند پژوهش واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما [info@shayesteh.ir](mailto:info@shayesteh.ir)

شوپه می‌کنند. شوپه مرکب از دو بخش شو «šo» (شب) و په «pe» به معنای شب‌پایی است و عبارت از نگرهبانی در شب و حراست و حفاظت از مزرعه، باغ و شالیزار از هجوم حیوانات وحشی بویژه گراز است زیرا گرازها به صورت گروهی و جمعی حرکت و در یک حمله شبانه، بخش‌های وسیعی از شالیزارها را نابود می‌کنند و چیزی از محصول باقی نمی‌گذارند.

برای مقابله با این حمله‌ها و شوپه کردن، کشاورزان جمع می‌شوند و جلساتی تشکیل می‌دهند و با همفکری، مقدمات و تمهیدات این کار را فراهم می‌کنند. برخی وسایل و لوازم ایشان عبارت است از:

- نفار «nefâr»: کشاورزان پیش از رسیدن شالی و زمان خوشه زدن، در نقطه‌ای که اشراف کافی به اطراف و همه زوایای شالیزار داشته باشند، نفار یا کومه مخصوص را می‌سازند. کومه «kume» یا کیمه از چوب و سرشاخه درختان جنگلی اطراف شالیزار و به ارتفاع حداقل دو متر ساخته می‌شود. شوپه‌گر فانوس روشنی را از پایه‌های نفار می‌آویزد و شروع به هیاهو و جاروجنجال و سروصدا می‌کند: این هیاهو برای دور کردن گرازهایی است که احتمال دارد از گوشه‌ای وارد شالیزار شده باشند. در واقع کومه، محل موقتی میرشکار است که در نقاط حساس و محل ورود گرازهای وحشی به شالیزار ساخته می‌شود.



- رخ رخی حلب «rox roxi halab»: شوپه‌گر، گاهی برای ایجاد سروصدا رخ رخی حلب را به شدت تکان می‌دهد. رخ رخی حلب از دست ساخته‌های کشاورزان است: برای درست کردن این وسیله، شوپه‌گر پایه چوبی بلندی را در قسمتی از شالیزار فرو می‌برد و حلب زبانه‌داری را با سیم یا نخ محکمی را به آن و طناب بسیار بلندی را نیز به سرچوب می‌بندد و سر دیگر طناب را به طرف نغار (کومه) می‌برد و به پایه کومه می‌رساند و هرازگاهی برای ایجاد سروصدا سر طناب را می‌گیرد و به شدت تکان می‌دهد. با این حرکت پایه چوبی به شدت می‌لرزد و تکان شدیدی به حلب زبانه‌دار وارد می‌کند؛ این تکان‌ها سروصداها زیاد و بلندی در اطراف پراکنده می‌کند و به این ترتیب گرازها جرأت نزدیک شدن به شالیزار را پیدا نمی‌کنند. کشاورز شوپه‌گر در همان حال که حلب را به شدت تکان می‌دهد، این شعر را می‌خواند:

حلب رخ رخی تاریکی خنی بورده (xi burde) زنگ تفریح

حلب در تاریکی صدا می‌کند و خوک (گراز) به زنگ تفریح می‌رود.

در واقع خطاب این شعر به طنز و شوخی به مرد شب‌پایی است که به جای آنکه برای حفاظت از شالیزارها بیدار بماند به خواب عمیقی فرو می‌رود و زمانی چشم باز می‌کند که گراز در حال خوردن شالی و تلف کردن آن است، مرد شب‌پا هیاهوی به راه می‌اندازد و گراز را از شالیزار بیرون می‌کند، اما دوباره به خواب می‌رود و گراز که در فاصله اندکی با شالیزار توقف کرده پس از برقرار شدن سکوت و اتمام هیاهوی شوپه‌گر دوباره به شالیزار برمی‌گردد و در واقع زمان کوتاهی از شب را بیرون از کشتزار به عنوان زنگ تفریح سپری می‌کند.

- تک تک کر «tak tak kar»: وسیله‌ای است ابتکاری که نگهبان شالیزار برای رماندن گراز می‌سازد. خاصیت این دستگاه که در چند نقطه شالیزار کار گذاشته می‌شود این است که با آب کار می‌کند و سروصدا شدیدی به راه می‌اندازد و این سروصدا باعث وحشت گراز و فرار او می‌شود.

- للهوا «lale vâ» یا نی: سکوت شب و وقت فراغت کشاورزان را وامی‌دارد تا هر یک به نوبت آوازی بخوانند و للهوا بزنند: صدای ایشان فارغ از اینکه خلوت و سکوت شب را می‌شکند، گرازهای غارتگر را نیز از شالیزار دور می‌کند.

- کنس کتک «kenes ketek»: چوب دستی بزرگ و محکمی است که از چوب ازگیل وحشی ساخته می‌شود و نگهبان شالیزار برای ایجاد سروصدا از آن استفاده می‌کند. شوپه‌گر، آن را با دو دست می‌گیرد و در کنار مرز قطور می‌ایستد و تا ارتفاع زیاد بالا می‌برد و سپس به صورت دفعی و ناگهانی چنان ضربه‌ای بر مرز قطور وارد



می‌کند که کنس کتک تا عمق ۸۰ سانتی متری مرز را می‌شکافد و با این کار، چنان صدای رعب‌انگیزی برمی‌خیزد که رمه‌های گراز وحشی را تا عمق جنگل فراری می‌دهد.

- آدم راسه «âdam râsse» یا مترسک: ساخت مترسک برای کشاورزان اهمیت ویژه‌ای دارد، آن را در قسمت‌های مختلف زمین

کشاورزی نصب می‌کنند تا حیوانات با دیدن آن بترسند و خیال حمله به مزارع را از سر خود دور کنند.

- تشیا «tašyâ» یا محل افروختن آتش: شوپه‌گر برای جلوگیری از ورود گرازها به شالیزار در چند قسمت از شالیزار آتش روشن می‌کند تا این حیوان وحشی با دیدن آتش دیگر به طرف شالیزار نیاید.

- تشت: شیوه دیگر دور کردن گرازها، کوبیدن بر پشت تشت است؛ به این صورت که شوپه‌گر با چوبی به صورت ریتمیک بر آن می‌کوبد و اشعاری می‌خواند که خطاب به گراز و تهدید اوست و در واقع نوعی رجزخوانی برای گراز است:

آی بعیه «ba' ye» شب تار (دوباره شب تار فرا رسیده است)

راه دکنه کله مار «râh dakete kele mâr» (گراز با توله‌هایش به سوی کشتزار راه افتاد)

به سوی دشتا تیم جار «be suye daštâ tim jâr» (به سوی شالیزار و خزانه برنج)

این خان گل نغار خس «în xângel nefâr xes» (این خان گل «نام مرد نگهبان یا شب‌پا» در نغار می‌خوابد)

ای بعیه گرفتار

ای امانا، ای هوار

- تش تفنگ «*taš tofang*»: تفنگ بسیار ساده و ابتدایی است که نگهبان شالیزاران را می‌سازد و بی هدف و هوایی شلیک می‌کند: سروصدای ناشی از شلیک تفنگ، گرازها را می‌ترساند و فراری می‌دهد.

- بورد بیرد: «*burd bird*»: از جمله اقدامات مرد شب‌پا ایجاد سروصدا و دادو فریاد از روی نفار است تا گرازها بترسند و وارد شالیزار نشوند.

- سگ: بخش مهمی از حفاظت و مراقبت از مزارع به عهده سگ‌های روستا می‌باشد. کشاورزان سگ‌های تهاجمی و قوی را جمع می‌کنند و به گرازها حمله می‌کنند: این حمله را «لوار سگ بزوهن» «*lavâr sag bazuhen*» (سگ را به سوی بوته‌های بزرگ خار حمله‌ور ساختن) می‌نامند. حمله با سرعت زیاد، قیل و قال و جاروجنجال بسیار و صدای شلیک بی‌امان تفنگ‌ها و پارس سگ‌ها و سروصدا و دادو هوار کشاورزان تا کیلومترها دورتر شنیده می‌شود، در این حمله، گرازها و تعدادی از سگ‌ها از پا درمی‌آیند و تکه‌تکه می‌شوند.

هدف کشاورزان از این حمله فراری دادن چند روزه آن همه گرازی است که اطراف شالیزارها پرسه می‌زنند. بنابر تجربه کشاورزان بعد از «لوار سگ بزوهن»، یک هفته از حمله گرازها خبری نخواهد بود.

- خله سنگ *xela sang* فلاخن و سنگ‌انداز هم وسیله دیگری است که برای دور کردن گرازها از شالیزارها به کار می‌رود.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی